مقاله تحلیل گفتمان فیلم میم مثل مادر با رویکرد لاکلا وموفه

محسن نیازی[۱]، مینا هلالی ستوده[۲]، زینب امیدی[۳]

تاریخ دریافت : ۱۴۰۱/۱۰/۷ تجدید نظر :۱۴۰۲/۳/۳۱
پذیرش نهایی : ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

چکیده

هدف: سینما به بازنمایی واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد. تحلیل گفتمان بارویکرد لاکلا وموفه نیز واقعیت‌های زبانی را با توجه به مؤلفه‌هایی همچون ایدئولوژی، اجتماع، فرهنگ و سیاست بازنمایی می‌کند. بازنمایی معلولیت در رسانه از این حیث حائز اهمیت است که رسانه در ایجاد نگرش و تغییر نگرش به معلولیت نقش مهمی ایفا می‌کند. هدف پژوهش حاضر این است که نشان دهد عناصر اجتماعی معلولیت چگونه در فیلم میم مثل مادر تقویت یا بازتولید شده است و چه نظام معنایی پیرامون معلولیت در این فیلم شکل گرفته است. **روش:** فیلم میم مثل مادر در دوسطح متنی و نمایشی با ابزارهای مفهومی و روش شناختی لاکلا و موفه مورد بررسی قرار گرفت. سپس داده‌های کامل فیلم با استفاده از مولفه‌های گفتمانی مطرح‌شده در نظریه آنها مورد توصیف وتحلیل قرار گرفتند. **یافته ها:** در این پژوهش به سه مفصلبندی و سه نظم گفتمانی دست یافته شد. مفصلبندی شخصیت مادر حول دال مرکزی مادرانگی، شخصیت پدر حول دال مرکزی خودمحوری و شخصیت فرد معلول حول دال مرکزی آگاهی از ناتوانی است. نظم گفتمانی عقلانی، عاطفی، خشونت‌بار سه نظم گفتمان مسلط در این فیلم بوده است. **بحث و نتیجه‌گیری:** گفتمان عاطفی در این فیلم در مورد معلولیت برجسته سازی شده، نظم گفتمانی عقلانیت طرد و نظم گفتمانی خشونت بار به حاشیه رانده شده است.

واژه های کلیدی: *معلولیت، تحلیل گفتمان، بازنمایی، فیلم میم مثل مادر، مفصلبندی.*

۱. **نویسنده مسئول:** استاد جامعه شناسی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران
۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان، ایران

Discourse Analysis of the Film "Mime Like Mother" with the Approach of Laklau and Moufee

Mohsen Niazi, Mina Helali Sotoudeh, Zainab Omidi

Received: 28 .12. 2022 Revised : 21. 6.2023
Accepted: 9 .2 . 2024

Abstract

Objective: Cinema represents political, social and cultural realities. The discourse analysis of Laklau and Moufee also represents the realities of the linguistic text according to components such as ideology, society, culture and politics. The representation of disability in the media is important in the sense that the media plays an important role in creating and changing attitudes towards disability. The aim of the research is to show how the social elements of disability have been reinforced or reproduced in the movie "Mime Like Mother" and what meaning system has been formed around disability in the society. **Method:** The film "Mime Like Mother" was analyzed at two levels of text and performance with the conceptual and methodological tools of Lacla and Mouffe. Then the complete data of the film were described and analyzed using the discourse components proposed in their theory. **Results**: Three articulations (articulation of the character of the mother, the character of the father, and the character of the disabled person) and three discourse orders (rational, emotional, violent discourse) were achieved. **Conclusion:** The research results showed that what has been represented in this film about disability is based on three existing discourses; while the emotional discourse is highlighted, the rationality of rejection and the violent discourse are marginalized.

Keywords*: Disability, Discourse analysis, Representation, "Mime Like Mother" film, Articulation*.

1. **Corresponding author**: Professor of sociology, Social Sciences Department, Kashan University, Kashan, Iran.
Email: niazim@kashanu.ac.ir.
2. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, Kashan University, Kashan, Iran
3. Master's student of social science research, Kashan University, Iran

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-21]

[DOI: 10.52547/joec.24.1.97]

مقدمه

افراد دارای معلولیت[1] بزرگترین اقلیت جهان را تشکیل می‌دهند. حدود ۱۵ درصد از جمعیت جهان یا تقریباً حدود یک‌هفتم آنان با نوعی از ناتوانی زندگی می‌کنندکه حدود ۲۰۰ میلیون از این افراد مشکلات قابل توجهی را در عملکردشان تجربه می‌کنند(لطیفیان و همکاران، ۱۴۰۰). در ایران با احتساب انواع و جنسیت معلولین تعداد ۷۰۹۰۶۲ نفر تخمین زده شده است(سالنامه آماری، ۱۴۰۰).

تعداد های برآورد شده از معلولین بر اساس تعاریف مورد استفاده در طول زمان متغیر است. متداول ترین تعریف از معلولیت که معیاری برای شناخت و دسته بندی معلولیت هاست توسط سازمان جهانی بهداشت ارائه شده است. بر این اساس معلولیت به عنوان یک اصطلاح کلی برای آسیب‌ها، محدودیت‌های کارکردی و مشارکتی است، که منجر به اختلال در عملکرد بدن شده و فرد را از مشارکت در فعالیت‌های روزمرهٔ شخصی و اجتماعی محروم می‌سازد. معلول جسمی -حرکتی به افرادی اطلاق می‌شود که به هر علت دچار ضعف، اختلال یا ناتوانی در سیستم حرکتی باشند یا برای تحرک به برخی وسایل کمکی نیاز داشته باشند (ذبیح قاسمی و همکاران،۱۳۹۷).

تعریف های دیگر معلولیت گستره ای شامل اختلال در اکثر فعالیت‌های زندگی، شامل: نشستن، برخاستن، بلند کردن و فرایندهای ذهنی و عاطفی مثل فکر کردن، تمرکز کردن و تعامل با دیگران را در بر می گیرد (عاملی مقدم وهمکاران،۱۳۹۴). فارغ از وضعیت جسمی و روانی بیان شده، جوامع در هر زمان و هر مکان برداشت ها و البته مواجهات متفاوتی نسبت به معلولیت داشته اند. برچسب‌هایی مانند ناتوان، ناقص الخلقه، بیمارو... القابی بوده است که در طول زمان و همراه با پیشرفت فرهنگ و علوم در جوامع مختلف به این گروه نسبت داده شده است. این افراد کمابیش در سراسر جهان با موانع گسترده‌ای ازجمله بهداشت، آموزش، اشتغال، حمل‌ونقل و ... روبرو هستند. این موانع از یک سو به دلیل سیاست‌ها، استانداردها، ارتباطات و بودجهٔ ناکافی و از سوی دیگر به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات، نگرش‌های منفی و عدم مشارکت در تصمیم‌هایی است که به‌طور مستقیم بر زندگی آن‌ها اثر می‌گذارد (سازمان جهانی بهداشت،۲۰۱۵). بخش عمده ای از رفتارهای تبعیض آمیز نسبت به معلولین برخواسته از نگرش های اجتماعی است. این نگرش منفی نسبت به گروه‌های معلولین که بیشتر در بستر فرهنگی و اجتماعی روی می دهد، به‌جای تأکید بر توانمندی و نقاط قوت معلولین به نقاط ضعف آنان توجه دارد. نگرش‌های منفی، پیش‌داوری‌ها و تبعیض‌ها بر همه جنبه‌های زندگی افرادی که از نوعی ناتوانی رنج می‌برند تاثیرات بازدارنده ای به جای می‌گذارند(زرین کفشیان، ۱۳۹۹).

با توجه به آنچه بیان شد، معلولیت در دو سطح فیزیولوژیک و اجتماعی قابل بحث است. در سطح فیزیولوژیک رویداد بدنی یا روانی است که بر فرد معلول عارض شده است و تغییر چندانی نمی توان در آن ایجاد کرد اما در سطح اجتماعی این نگرش ها و سازوکارهای روابط اجتماعی است که می تواند وضعیت موجود برای فرد معلول را با دشواری یا آسانی بیشتری همراه کند. وضعیت معلولین در جامعه ایران از جنبه های مختلفی مورد توجه سیاستگذاران بوده است. این توجه و مداقه با وجود آمار چشم گیر میزان معلولیت در ایران که شامل ۱/۴ درصد یا ۱۴/۴ در هزار است، توجه بیشتری را در عرصه سیاستگذاری

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-21]

[DOI: 10.52547/joec.24.1.97]

رفاهی و اجتماعی می طلبد(سجادی و زنجری، ۱۳۹۴).

تأمل در وضعیت معلولان به خصوص گروه های ناتوان تر چون کودکان و سالمندان که معلولیت برای آنان ناتوانی مضاعف به همراه دارد از ضرورت بیشتری برخوردار است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که کودکان معلول در مقایسه با همتایان خود، ازنظر رشد اجتماعی دچار ضعف‌های قابل توجهی هستند و از کفایت لازم برای رویارویی با انتظارات اجتماعی برخوردار نیستند. این افراد در برقراری ارتباط، سازگاری با محیط اجتماعی پیرامون خود و روابط اجتماعی و خانوادگی با مشکلات جدی مواجه هستند که درنهایت باعث انزوای آنان و طرد شدن از سوی همسالان می‌شوند(طیبی ماسوله وهمکاران، ۱۴۰۱).

رسانه‌ها به عنوان ابزارهای مهم شکل دهنده نگرش اجتماعی در تعریف و مواجهه افراد جامعه با فرد معلول نقش اساسی بازی می کنند. در کل رسانه‌های همگانی به دلیل تأثیر عمیق اجتماعی فرهنگی به‌طور اعم و سینما به دلیل ابعاد فراگیرش به طور اخص، از ارزش ویژه‌ای در شکل دهی نگرش جامعه نسبت به مسائل برخوردار است. از این رو نگرش و پندارهای شکل گرفته در سینما پیرامون معلولیت قابل اعتناست چرا که به طور غیر مستقیم بر وضعیت روانی و روابط خانوادگی و اجتماعی، فرد معلول، خانواده و به طور کلی جامعه اثر گذار خواهد بود(خسروی و همکاران، ۱۳۹۴).

مروری بر پژوهش های انجام شده نیز مؤید تأمل و توجه بیشتر در حوزه سیاستگذاری های اجتماعی برای بهبود وضعیت معلولان است. صادقی فسایی و فاطمی نیا (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان معلولیت نیمهٔ پنهان جامعه، رویکرد اجتماعی به وضعیت معلولین در سطح جهان و ایران با رویکردی جامعه‌شناختی به داده‌های موجود در دو سطح جهانی و ملی، پدیدهٔ معلولیت را موردبررسی قرار داده است. نتایج این مطالعه نشان دادکه داخل کشور نوعی رویکرد پزشکی و مدیریتی غالب است که به پدیده معلولیت به‌عنوان یک مسئلهٔ اجتماعی نظر ندارند. در واقع اگرچه آن‌ها خواهان حل یک یا چند مشکل افراد دارای معلولیت هستند اما نتوانسته‌اند وضعیت افراد دارای معلولیت و آثار و پیامدهای آن را در درون نظام اجتماعی ترسیم کنند.

سجادی و زنجری (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان دادند میزان شیوع معلولیت در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری و در میان مردان بیشتر از زنان بود. همچنین افراد دچار معلولیت، وضعیت اقتصادی و اجتماعی پایین‌تر و نامناسب‌تری در مقایسه با افراد فاقد معلولیت داشتند. به‌علاوه، میزان و شیوع معلولیت برحسب ویژگی‌های سرپرست خانوار، وضعیت اقتصادی و رفاه خانوار به‌طور معناداری متفاوت بود. پژوهان و افشاری(۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان نگرش زنان معلول نسبت به فرزندآوری در شهر تهران به این نتایج رسیدند که بین گویه‌های یک عامل با گویه‌های عامل دیگر، هیچگونه همبستگی مشاهده نشد و هر عامل به‌طور مستقل بر نگرش زنان به فرزندآوری تاثیر دارد. نگرش زنان معلول نسبت به فرزندآوری با توجه به سن ازدواج، نوع شغل، منزلت و موقعیت اجتماعی زنان متفاوت است. عوامل جمعیتی با بیش از ۵۷ درصد، عوامل اجتماعی با بیش از ۶۹ درصد، عوامل اقتصادی با بیش از ۵۸ درصد و عوامل فرهنگی با بیش از ۶۳ درصد در نگرش زنان معلول به فرزندآوری موثر است. بنابراین آن‌چه بیش از هر مسئله‌ای در تغییر نگرش زنان معلول به باروری قابل تعمق است برخورداری از رفاه اجتماعی است.

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-21]
[DOI: 10.52547/joec.24.1.97]

مجموعه این مطالعات این ایده محوری را تأیید می کند که معلولیت و ویژگی‌های منتسب شده به آن تا حد زیادی در طی مناسبات اجتماعی ساخته می شود. با این نگاه رویکرد برساختگرایی اجتماعی در تفسیرِ معلولیت بازنمایی شده در رسانه ها می تواند راهگشا باشد. نظریه لاکلا وموفه نظریه‌ای پساساختارگرایانه است و با این ایده شروع می‌شود که گفتمان جهان اجتماعی را در قالب معنا بر می‌سازد و از آن‌جا که زبان به نحوی بنیادین، بی‌ثبات است، معنا به هیچ وجه نمی‌تواند برای همیشه ثابت بماند. هیچ گفتمانی یک پدیده بسته نیست، بلکه به دلیل تماس با سایر گفتمان‌ها دستخوش تغییر می‌شود به همین دلیل، کشمکش گفتمانی یکی از واژه‌های کلیدی این نظریه است.(یورگنسون و فیلیپس، ۲۰۰۲). آنها در رویکرد گفتمانی خود توضیح می دهند هویت هرچیز تنها در شبکه هویت‌های دیگر پدید می‌آید که باهم مفصل‌بندی شده است، بنابراین هویت‌ها در درون گفتمان ماهیتی ارتباطی دارند (کسرایی وپوزش شیرازی،۱۳۸۸). لاکلا وموفه موقعیت سوژه و عاملیت وی را در درون ساختارهای سیاسی-اجتماعی مانند مارکس نفی نمی‌کنند و همچون کانت هم آن را خودمختار نمی‌دانند. به عبارت ساده‌تر،در نظر آن‌ها سوژه یکسره محکوم یا آزاد نیست(عبادی و همکاران،۱۴۰۰). به این معنا، سوژه در شبکه گفتمانی آزادی و کنشگری پیدا می کند. بر اساس نظریه لاکلا و موفه که برخواسته از پساساختارگرایی است معلولیت گونه ای برساخت اجتماعی در نظر گرفته می شود که در بستر شرایط اجتماعی معنا می یابد. این مقاله ملهم از چنین نگاهی به بازنمایی معلولیت در فیلم میم مثل مادر روی خواهد آورد.

در این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که (فیلم میم مثل مادر) چطور به تقویت یا بازتولید نظام معنایی پیرامون معلولیت در جامعه پرداخته است؟

روش

واژه گفتمان در پیوند با تفکر فلسفی فرانسه از دهه۱۹۶۰ معنای جدیدی پیدا کرده است. گفتمان هم در جایگاه نظریه و هم به عنوان روش تحلیل مورد توجه قرار دارد. شیوه لاکلا و موفه بیشتر به الگوهای عام و فراگیر توجه دارد و با کمک آن می‌توان نقشه‌ای انتزاعی از گفتمان‌هایی تهیه کرد که در یک زمان مشخص و یک قلمرو اجتماعی خاص جریان دارند.

هدف نظریه لاکلا وموفه فهم امر اجتماعی به مثابه برساختی اجتماعی است و در نظر لاکلا وموفه گفتمان نه تنها زبان، بلکه همه پدیده‌های اجتماعی را در برمی‌گیرد. ایده کلی نظریه گفتمان این است که پدیده‌های اجتماعی هرگز تام و تمام نیستند. معانی هیچگاه نمی‌توانند برای همیشه تثبیت شوند و این امر راه را برای کشمکش‌های همیشگی اجتماعی بر سر تعاریف جامعه و هویت باز می‌گذارد. وظیفه تحلیل‌گران گفتمان نشان دادن جریان این کشمکش‌ها بر سر تثبیت معنا در تمامی سطوح امر اجتماعی است(راودراد و آقایی، ۱۳۹۵). این نوع از نگاه ظرفیت ویژه ای را در بازنمایی سوژه(معلولیت)در رسانه فراهم می کند. لذا در این تحقیق از شیوه گفتمان لاکلا وموفه استفاده شده است.

از دیدگاه لاکلاو موفه، گفتمان به مثابه یک کلیت معنادار است. آن‌چه در یک زبان وجود دارد، اعم از واژه‌ها، تصاویر و ایماژهای معنایی و نوشتاری، زمانی معنادار می‌شوند که در یک نظام روابط تعریف شوند(مک دانل،۱۳۸۰). بنابراین همه چیز در یک نظام گفتمانی تعریف می‌شود و نشانه‌ها نیز براساس ارتباط با یکدیگر تعریف می‌شوند نه براساس دنیای خارج(سلطانی،۱۳۸۴). از نظر آنها مفصل‌بندی هرگونه

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-21]

[DOI: 10.52547/joec.24.1.97]

عملی است که به تثبیت رابطه بین عناصر منجر می‌شود، به‌طوری‌که هویت این عناصر در نتیجه عمل مفصل‌بندی تغییر کند. آن‌ها به کلیت ساختاریافته‌ای که در نتیجه عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود، گفتمان می‌گویند(لاکلا و موفه، ۱۹۸۵).

مفصل‌بندی در نظریه لاکلا و موفه عبارت است از عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه پیدا می‌کنند. از این رو، هویت یک گفتمان، براثر ارتباطی شکل می‌گیرد که با عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون پدید می‌آید. دال، اشخاص، مفاهیم، عبارت و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاص دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول نامیده می‌شود. دال مرکزی، دالی است که سایر دال‌ها گرد آن جمع می‌شوند و کانون همه دال‌ها و سامان‌دهنده آن‌هاست. اهمیت دال مرکزی از اینجا ناشی می‌شود که لاکلا و موفه ظهور یک گفتمان را با تثبیت معنا، پیرامون دال‌های خاص(دال مرکزی) می‌دانند. مدلول دال شناور ناپایدار و بی‌ثبات است، یعنی مدلول‌های متعددی دارد و گفتمان‌ها بر اساس نظام معنایی خود تلاش می‌کنند تا آن‌ها را به شیوه خود معنا دهند. دال مرکزی به حالتی اشاره دارد که معنای نشانه به حالت انجماد و انسداد درآمده است، در حالی‌که دال شناور حالتی است که در آن نشانه در میدان گفتمان‌های مختلف برای تثبیت معنا شناور و معلق است(عبادی و همکاران، ۱۴۰۰). نشانه‌های زبانی تا زمانی‌که در یک مفصل‌بندی قرار نگرفته‌اند، دال‌هایی شناور(عناصری) هستند که معانی یا مدلول‌های مختلفی را می‌توان به آن‌ها منتسب کرد. عمل مفصل‌بندی، مستلزم تثبیت معنای تعدادی نشانه‌ها پیرامون یک گره‌گاه است. مفهوم مفصل‌بندی در اینجا به معنای گردآوری اجزای مختلف و ترکیب آن‌ها در یک هویت جدید است(هوراث، ۱۳۷۹).

انسجام گفتمان‌ها به ثبات رابطه میان دال و مدلول و همچنین ثبات رابطه دال‌ها با دال مرکزی در یک مفصل‌بندی وابسته است(کسرایی، ۱۳۸۸). هر گفتمان به‌طور طبیعی، یکی از معانی یا مدلول‌های دالی را تثبیت می‌کند که در یک مفصل‌بندی گفتمانی، با یک گره‌گاه در ارتباط قرار گرفته است. همیشه نشانه‌هایی هستند که در یک گفتمان مفصل‌بندی نمی‌شوند یا مدلول‌ها یا معانی‌ای هستند که از یک مفصل‌بندی گفتمانی طرد می‌شوند، به این معانی یا مدلول‌ها، عناصر گفتمانی گفته می‌شود و میدان گفتمان، سرریز معانی(دال‌های شناور) یا نشانه‌هایی(عناصری) است که با هدف تثبیت معانی در یک گفتمان به حاشیه رانده شده‌اند(لاکلا و موفه، ۱۹۸۵). در این تحقیق واحد تحلیل فیلم میم مثل مادر است و واحد مشاهده فرد است. مفصلبندی های گفتمانی پیرامون افراد و نظام های معنایی بر اساس آن استخراج خواهد شد.

یافته‌ها

دراین بخش، ابتدا به معرفی شخصیت‌های فیلم میم مثل مادر و مفصل‌بندی ویژگی‌های آن‌ها در چارچوب نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موفه(۲۰۰۱) پرداخته می‌شود. سپس، نظم‌های گفتمانی موجود در فیلم بیان می‌گردد. در نهایت، متن کامل فیلم مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

شخصیت‌های فیلم میم مثل مادر و مفصل‌بندی ویژگی‌های آن‌ها

در جدول(۱)، نظام معنایی و ویژگی‌های گفتمانی مادر در فیلم میم مثل مادر نمایان است. همچنین، نمودار(۱) زیر مفصل‌بندی وویژگی‌های مادر را نشان می‌دهد.

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-21]
[DOI: 10.52547/joec.24.1.97]

نظام معنایی و ویژگی‌های گفتمانی مادر شخصیت فرعی زن فیلم

شخصیت‌های کلیدی فیلم، مادر است که دارای ویژگی‌های همچون، طبقه متوسط رو به پایین، فداکار، مطلقه، نگران است. که البته همه این ویژگی‌های مادر تا زمانی است که هنوز شخصی قصد تعرض و آزار جنسی را به او نداشت زیرا بعد از حادثه‌ای که رخ داد، مادر چاقو را بیرون می‌آورد تا از خودش محافظت کند که باعث کسب ویژگی‌هایی از قبیل خشونت می‌شود. ویژگی دیگر مادر انتساب نگاه عقلانی به او در مورد فرزند است که به توجه به جنسیت تنها خواهان سلامتی اوست. اما همین نگاه هنگامی که از طریق سونوگرافی متوجه می شود فرزندش مشکل دارد به چالش کشیده می شود؛ چرا که پدر تمام تلاشش را برای سقط فرزند معلول می کند و مادر پشیمان است که چرا این موضوع را متوجه شدند و رویکرد عاطفی بر این شخصیت غلبه پیدا می کند. مادر تمام توانش را برای حمایت و سلامتی فرزندش با وجود سختی های زیاد به کار می گیرد با این واسطه او منتسب به از خودگذشته می شود. ویژگی عاطفی مادر همچنین در تأکید بیش از حد او به توانایی‌های فرزندش و سعی در نادیده گرفتن ناتوانایی های او نمایان می شود.

جدول۱: نظام معنایی و ویژگی‌های گفتمانی مادر

ردیف	دال ارزشی شخصیت مادر(سپیده)	مدلول
۱	درآمد بسیار کم	طبقه متوسط رو به پایین
۲	سپیده به دکتر میگوید: من ۴ماه ونیممه میخوام ببینم این بچه درد رو میفهمه یا نه(۲۲:۲۵) من مادر این بچم نباید بدونم بچم درد میکشه یانه(۲۳:۲۳) سپیده به سهیل میگوید: فکر میکنی اینجوری کمتر درد میکشه؟ (۲۶:۲۳) هربار سعید گفت بابام گفتم شهید شده گفت قبرش کجاست؟ گفتم مفقوالاثر شده فقط بخاطر اینکه کینه‌ای ازت به دل نگیره ولی تو امروز داغونش کردی(۱:۱۵:۲۱)	محافظت
۳	سپیده: کاش نرفته بودیم سونگرافی(۲۶:۳۰)	پشیمان
۴	سپیده رو به مادر: حتی حاضر نیست ببینتش و میگه بچه ناقص باید براه آسایشگاه و الا طلاقت میدم(۳۱:۲۳)	مطلقه
۵	مادر میره سرکار، طلاهاشو میفروشه، وسایل خونشو به فروش میگذاره تا برای پسرش آمپول بخره(۳۶:۰۱)	از خود گذشتگی
۶	سپیده به سعید میگه: من دوستش نداشتم، باهاش نمی‌ساختم و مجبور شدیم از هم جداشیم ولی تو هروقت بخوای میتونی ببینیش(۱:۱۰:۰۱)	دروغگویی
۷	سپیده به سهیل میگه: خیلی پرتی آقای کاویان پور، پسر من ۳ ساله دیگه میره دبیرستان موسیقی کنار بچه‌های معمولی درس میخونه، تمام کارهای شخصی رو خودش انجام میده، خرید خونه من با اونه، تا حالا هرکسی باهاش قاطی شده نتونسته ازش دل بکنه تو برو یه فکری به حال خودت بکن(۱:۱۵:۵۹)	اهمیت به توانایی فرزند
۸	سپیده به سعید میگوید: نکن سعید پاشو بریم، چت شده تو اذیتم نکن، دارم عصبانی میشم دیونم کردی بچه وای وای(۱:۱۸:۱۶)	خستگی
۹	سپیده خطاب به سعید: تو چیزیت نیست مادر تو سالمی(۱:۲۴:۰۵)	انکار
۱۰	فروشنده به سپیده می‌گوید: چرا باید یه بسته(آمپول رو ناقص کنم. اخمت تموم انبارو پر کرده. میتونی این ۳ تارو برداری، این ۲تارو هم میخوای؟ اگه یه کوچولو کوتاه بیای پولاتم میتونی برداری نترس به قیافه من میخوره لولو خورخوره باشم؟(۱:۲۸:۰۵)	مورد تعرض
۱۱	سپیده خطاب به فروشنده: تکون بخوری میکشم(چاقورو)	خشونت

دال مرکزی شخصیت سپیده به عنوان مادر یک فرزند معلول را می توان مادرانگی در نظر گرفت که تمام دال های شناور حول آن منسج شده و هویت او را تثبیت کرده اند. به گونه ای که دروغگویی، به دنیا آوردن فرزند معلول و نگه داشتن او، خشونت با دیگران، از دست رفتن زندگی خانوادگی، انکار و فداکاری حول دال مرکزی مادرانگی است که معنی پیدا می کند.

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-21]

[DOI: 10.52547/joec.24.1.97]

نظام معنایی و ویژگی‌های گفتمانی پدر شخصیت فرعی مرد فیلم

دال‌های ارزشی مربوط به پدر، پولدار بودن، بی‌عاطفه، مردسالار و خودخواه است. شخصیت پدر، شخصیتی است که بخاطر موقعیت و پول و ثروت حاضر می‌شود زن خود را طلاق دهد تا فرزند معلول او مانع موفقیتش نشود. خودخواهی او در مانع شدن او در موفقیت همسرش نیز نمایان است. پدر برای این‌که همسرش موفق نشود و به خارج از کشور برای موسیقی نرود از او پذیرفته شدنش را پنهان میکند. او وقتی متوجه می‌شود که فرزندش معلولیت‌هایی دارد تمام تلاشش را برای سقط جنین انجام میدهد. از خرید آمپول تا رفتن به مراکز سقط جنین و حتی آن‌جا سر سپیده فریاد می‌زند که چرا سپیده مخالف سقط است و با دکتر مشاجره می‌کند که نشان از ویژگی خشونت پدر است. او در لذت و سرمستی قدرت، با مادری مواجه است که حاضر است همه چیز را فدای کند تا حیات فرزندش با خطر مواجه نشود. او فرزند متولد شده را نمی پذیرد و حتی حاضر به دیدن او نیست. خود خواهی و خود محوری پدر توأمان با دال عقلانیت است. جایی که در مشاجره با همسرش به وضعیت ناتوانی فرزندش در مواجهه با جامعه بی رحم تأکید می کند:" آدم‌های سالم توی این جنگل بی رحم سخت به حقشون میرسن، سپیده اگه یه روزی من و تو نباشیم این بچه ناقص تنهایی می‌تونه از پس زندگیش بربیاد". در ادامه همین عقلانیت رگه هایی از عاطفه اما در راستای همان عقلانیت ابزاری دیده می شود. پدر بعد از سالها از همسرش می خواهد که به زندگی مشترک برگردد اما بدون فرزندشان و او را به آسایشگاهی تخصصی بسپارند. این عقلانیت در جاهایی از فیلم نظام معنایی عاطفی شکل گرفته پیرامون مادر را به چالش می کشد جایی که رو به همسرش می گوید:"به صلاح خودش بود به دنیا نیاد نه می‌تونه درست حسابی راه بره نه می‌تونه توی این هوای کثیف نفس بکشه، تو فقط بخاطر اینکه میخواستی مادر بشی انصافه این بچه انقدر زجر بکشه". پدر نمایان گر قدرتو عقلانیت است چه در شغل و چه در مواجه ای که با مسأله معلولیت دارد. او نمایانگر روحیه ماکیاولی است که در جهان معاصر به معنای واقع‌بینی، احساساتی نبودن و شناخت ضرورت‌های قدرت است.

جدول۲: نظام معنایی و ویژگی‌های گفتمانی پدر

ردیف	دال ارزشی شخصیت پدر(سهیل)	مدلول
۱	الف) خانه ب) ماشین ج) کار در وزارتخانه چ) درآمد ثابت د) سفرخارجی ه) تحصیلات	پولدار
2	سپیده: سهیل کی بود؟ از وزارتخونه بود جلسه فردارو یادآوری کردند(۱۰:۲۷) سهیل به سپیده میگوید: قول میدم بهترین مربی‌هارو براش بگیرم، میبرمش بهترین آسایشگاه شبانه‌روزی و هروقت دلت تنگ شد برو ببینش(۱:۱۴:۰۵)	دروغگو
3	سهیل: پسره؟ (۱۱:۱۲)	مردسالار
4	سهیل: نباید بچه دار میشدیم(۱۵:۰۲)	پشیمان
5	سپیده به سهیل: راسته که رحم و بچه رو باهم در میارن؟ تو همه چیو به من نگفتی(۱۸:۲۵)	پنهانکار
6	سهیل: کار من تازه داره تو وزارتخونه پا میگیره با این بچه‌ای که معلوم نیست چه معلولیت‌هایی داره.....(۱۹:۱۲)	خودمحور
7	یک متخصص پیدا کردم بخدا اگه یه درصد احتمال خطر داشت زیر بار نمی رفتم، دیش رو هم کنار گذاشتم(۱۹:۳۲) سهیل سعید رو میبینه و بدون هیچ حرفی میره(۱:۰۶:۲۶) سهیل: باید راه بری سپیده جان تا بچه سقط شه(۲۷:۵۲)	طرد
8	سهیل به سپیده میگه: خفه شو(۲۳:۵۳)	خشونت
9	سهیل میگه دکتر گفته تزریق تموم نشده بچه بیهوش میشه و هیچیو نمی‌فهمه(۲۶:۲۵)	بی اهمیت

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-21]

[DOI: 10.52547/joec.24.1.97]

10	سهیل: آدم‌های سالم توی این جنگل بی رحم سخت به حقشون میرسن، سپیده اگه یه روزی من و تو نباشیم این بچه ناقص تنهایی می‌تونه از پس زندگیش بربیاد؟(۲۶:۳۶) سهیل به سپیده میگه: به صلاح خودش بود به دنیا نیاد نه میتونه درست حسابی راه بره نه میتونه توی این هوای کثیف نفس بکشه، تو فقط بخاطر اینکه میخواستی مادر بشی انصافه این بچه انقدر زجر بکشه(۱:۱۵:۴۱)	عقلانیت
۱1	سهیل به فرزانه میگوید: جنگ تموم شده و قرار نیست من تاوانشو بدم و هر چیزی توی دنیا پرتی داره و این بچه ناقص هم از پرتی‌های خلقته(۳۲:۳۵)	بی عاطفه
۱۲	سهیل به سپیده میگه: دست خودم نیست نمی‌تونم اینجوری ببینمش، هرکسی یه ظرفیتی داره تحمل همه آدمها یکسان نیست(۱:۱۴:۳۰)	بهانه گیر
۱۳	سهیل وارد سالن اجرای سعید میشه و لبخند میزنه(۱:۴۸:۳۰)	پذیرش فرزند

دال مرکزی شخصیت پدر(سهیل) در این فیلم خودمحوری است. در سپهر معنایی این مفهوم است که سایر مدلول های مفصلبندی فوق نیز می تواند معنا شود. جایی که پدر دست به دروغگویی و پنهانکاری در مورد زندگی همسرش میزند، وقتی تصمیم می گیرد جنین را از بین ببرد یا فرزند متولد شده اش را طرد و انکار کند و حتی بیشتر از آن زندگی خانوادگی اش را ترک کند. تصمیم برای بازگشت او به زندگی خانوادگی هم در پرتو دال مرکزی خود محوری قابل معناست.

نظام معنایی و ویژگی‌های گفتمانی سعید شخصیت اصلی فیلم

از جمله دال‌هایی که برای شخصیت سعید در نظر گرفتیم، می‌توان به فداکاری، از خود گذشتگی، توانایی در صحبت و اجرا البته به سختی اشاره کرد. هرچند سعید ناراضی هست که چرا به‌دنیا آمده و نمی‌تواند خیلی از کارهایش را به درستی انجام دهد. سعید، کودک مستعد که روحیه و استعداد هنری مادرش را به ارث برده، متوجه موضع فرصت‌طلبانه و خشن و خودپرستانه پدر می‌شود و از این آگاهی آزار می‌بیند. مادر در پی تشدید مشکلات شیمیایی، در بستر بیماری می‌افتد. کنسرت سعید برگزار می‌شود و بالاخره سهیل در جشن موسیقی سعید شرکت می‌کند؛ یعنی واقعیت وجودی او را می‌پذیرد، در حالی‌که سپیده به انتهای راه زندگی رسیده است. ارتباط عجیب مادر و پسر که از طریق موسیقی و از دوران بارداری شروع شده تا لحظه مرگ باقی می‌ماند. در تمام سکانس‌ها وقتی سعید ویولن می‌نوازد، دستش روی نُتِ «می» گیر می‌کند و در آخرین تمرین، مادر سعی می‌کند با یادآوری کلمه مادر این نت را به او بیاموزد. بلوغ سعید در اجرا با درست نواختن این نت آغاز می‌شود و در انتهای فیلم ما با کودکی نیمه بالغ رو به رو هستیم که با تمام مشکلاتش، حالا که حق حیات را به دست آورده است، مستقل از عهده کارهایش برمی‌آید.

جدول۳: نظام معنایی و ویژگی‌های گفتمانی فرد معلول

ردیف	دال ارزشی شخصیت فرد معلول(سعید)	مدلول
۱	سعید شیشه شیر برای همسایه‌ها میاره(۳۸:۰۴) مامان من خوبم توحالت بده، آمپولو به خودت بزن(۱:۳۴:۵۵)	مهربان
۲	حرف زدن سعید(۳۹:۰۹)	توانایی صحبت کردن
۳	سعید به دوستاش میگه: میخواد بیاد آسایشگاه چون مادربزرگش ام اس داره و مادرش خیلی کار میکنه(۴۲:۱۷)	فداکاری
۴	سعید رو به پیرمرد میگوید: امروز تو کلاس موسیقی گند زدم(۴۷:۳۴)	ناتوانی در اجرا

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-21]

[DOI: 10.52547/joec.24.1.97]

۵	سپیده به سعید: پاشو مامان لباساتو در بیار بریم حمام(۱:۱۸:۰۲)	ناتوانی در انجام کارها
۶	سعید خطاب به مادرش: تو که میدونستی من اینجوریم چرا باید منو به دنیا میاوردی (۱:۲۳:۵۵)	پشیمان از وجود خود
۷	چت شد مامان، آمپول نداریم، منم بلد نیستم(۱:۳۴:۲۴)	نگرانی

دال مرکزی فرد معلول(سعید) در این فیلم آگاهی از ناتوانی است. بر همین اساس سایر دال های شناور نیز حول این دال مرکزی مفصلبندی می شود و معنا پیدا می کنند. جایی که او فداکاری می کند، با دیگران مهربان است، می داند که خوب اجرا نکرده یا اینکه از به دنیا آمدنش ناراحت است همه حول این دال مرکزی معنایی تازه از فرد معلول خلق می کند. در این معنا او با آگاهی از اینکه ناتوان است و زحمتی برای دیگران است، سعی می کند حداقل ها را برای خود بخواهد و بیشترین فداکاری و ملاحظه را در ارتباط با دیگران به ویژه مادرش داشته باشد.

نظم‌های گفتمانی در فیلم میم مثل مادر

در فیلم میم مثل مادر با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته بر روی دال‌های مرکزی، دال‌های شناور در متن و نمایش فیلم‌نامه سه گفتمان استخراج شده است. در ادامه به تشریح هرکدام از این گفتمان‌ها پرداخته می‌شود، این سه گفتمان عبارت‌انداز: گفتمان عقلانی، گفتمان عاطفی، گفتمان خشونت بار

گفتمان عقلانی

عقلانیت طبق تعریف هابرماس: از میان برداشتن موانعی که ارتباط را تحریف می‌کنند، است. اما در معنای کلیتر، نظامی ارتباطی است که در آن اخطار، آزادانه ارائه می‌شود و دربرابر انتقاد حق دفاع دارند(مهدویفر و مترانلویی،۱۳۹۶). نماینده این نظم گفتمانی پدر است. پدر تولد فرزند معلول را غیر عقلانی می داند، بعدها حتی نگهداری این فرزند متولد شده را نیز اشتباه می داند. تشبیه جامعه به جنگلی که هرکس باید جان خود را از آن نجات دهد هم در راستای همین عقلانیت فردگرا است. همانگونه که در مفصلبندی ها هم بیان شد این عقلانیت فردگرا در سراسر فیلم شبکه معنایی را برای شخصیت پدر خلق می کند که اگرچه در پایان فیلم انعطاف هایی از او در پذیرش فرزند معلول دیده می شود اما در معنای ایجاد شده برای پدر تزلزلی ایجاد نمی شود. گفتمان عقلانیت با قرار گرفتن در برابر گفتمان دیگری که درست در نقطه مقابل گفتمان عقلانیت است معنای خود را با قدرت بیشتری بنا می نهد و آن گفتمان عاطفی است. در این نظم معنایی که حول محور مادرانگی شکل گرفته است نظام معنایی با چنان توانی فضای مواجهه با فرد معلول را بر می سازد که عناصر درست عقلانیت طرد می شوند. نهایتاً دال‌های شناور طبقه‌ی متوسط رو به پایین جامعه، فقر، پنهان‌کاری، ترس از طرد شدن، دروغگویی، خشونت، فروپاشی خانواده، حول دال مرکزی خودمحوری گفتمان عقلانیت فردگرا را سامان می دهند.

گفتمان عاطفی

گفتمان دیگر، گفتمان عاطفی است. گفتمان عاطفی به معنی بررسی فرایندی است که این عواطف در آن قرار می‌گیرد و در ارتباط با بسیاری از عناصر دیگر زبانی جریانی معنادار را به وجود می‌آورند که دارای خصوصیات و ویژگی‌های عاطفی است (ترکاشوند،۱۳۹۴).

گفتمان عاطفی با محوریت مادرانگی در این فیلم بازنمایی شده است. سپیده به عنوان مادر این گفتمان را نمایندگی می کند. او با عاطفه و احساسی که دارد فرزند معلولش را می پذیرد، دوست دارد و از او محافظت می کند. برای نمونه: ۱- مادر میره سرکار، طلاهاشو میفروشه، وسایل خونشو به فروش میگذاره تا

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-21]
[DOI: 10.52547/joec.24.1.97]

برای پسرش آمپول بخره از خود گذشتگی مادر رو نشان می‌دهد. ۲- سپیده به سعید میگه: من دوستش نداشتم، باهاش نمی‌ساختم و مجبور شدیم از هم جداشیم ولی تو هروقت بخوای می‌تونی ببینیش دروغگویی مادر برای اینکه پدر از چشم سعید نیوفته رو میگوید. دال‌هایی که در گفتمان عاطفی جای دارند آنقدر قوی مفصلبندی شده اند که حتی عناصر نامطلوب در این دال مانند دروغگویی یا خشونت مادر را پذیرفتنی می سازد. به گونه ای که گفتمان عاطفی مبدل به گفتمان غالب در این فیلم می شود.

گفتمان خشونت بار

گفتمان بعدی، گفتمان خشونت‌بار است: گفتمان خشونت با همدستی ضمنی کسانی‌که این خشونت بر آن‌ها اعمال می‌شود و نیز کسانی‌که آن را اعمال می‌کنند، انجام می‌شود، زیرا هر دو گروه نسبت به اعمال آن، آگاهی ندارند(مهدیزاده و تقی‌آبادی،۱۳۹۸).

برای نمونه سپیده خطاب به فروشنده: تکون بخوری میکشم(چاقورو)، این‌کاری که مادر انجام می‌دهد برای نجات خودش است و نمی‌خواهد به‌خاطر فقرو بی‌پولی تن به هرکاری بدهد. یا نمونه دیگر که سهیل به سپیده میگه: خفه شو به این دلیل است که سهیل خواهان سقط بچه است و هرکاری می‌کند که بچه به دنیا نیاید ولی وقتی می‌بینه سپیده نگران بچه هست و نمی‌خواهد این بچه سقط شود با روی تند جواب او را می‌دهد. یا جای دیگر سعید خطاب به مادرش می‌گوید: تو که میدونستی من اینجوریم چرا باید منو به دنیا می‌اوردی و بعد کل وسایل اتاقش رو بهم می‌ریزه که ناشی از نارضایتی از به دنیا آمدن و ناراحت بودن از این‌که پدرش حاضر نیست او را ببیند بود. دال‌های خشونت که میکشمت برای نجات و فقر و بی‌پولی است یا بی احترامی و تندی برای این‌که بچه سقط شود و یا دال نارضایتی که همه در ذیل نظام معنایی خشونت قرار گرفته‌اند. این گفتمان در حاشیه دو گفتمان عقلانیت و عاطفی حضور دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال بودیم که (فیلم میم مثل مادر) چطور به تقویت یا بازتولید نظام معنایی پیرامون معلولیت در جامعه پرداخته است؟

تحلیل گفتمان فیلم میم مثل مادر با تمرکز بر دو بعد متنی و نمایشی سه نوع مفصلبندی که عبارت است از مادرانگی(شخصیت مادر)، خودمحوری (شخضیت پدر) و آگاهی از ناتوانی(شخصیت فرد معلول) است و سه نوع نظم گفتمانیِ عقلانی، عاطفی و خشونت‌بار را نشان داد. دال‌های شناور طبقه‌ی متوسط رو به پایین جامعه، فقر، پنهان‌کاری، ترس از طرد شدن، دروغگویی، خشونت، فروپاشی خانواده که در حول دال مرکزی عدم پذیرش فرزند سامان یافته‌اند. سه مفصل‌بندی استخراج شده، شخصیت مادر، پدر و فرد معلول بود که با این اطلاعات سه گفتمان مطرح شد : گفتمان عقلانی ، گفتمان عاطفی، گفتمان خشونت بار. بر این اساس، نخست فیلم میم مثل مادر از یک آرایش گفتمانی واحد استفاده کرده‌است یعنی در مکالمه‌های فیلم دال‌های شناوری وجود دارد که حول دال مرکزی مفصل‌بندی و منسجم شده‌اند. دال شناور پول‌دار از دال‌های گفتمانی فیلم میم مثل مادر است که همراه با عباراتی مانند داشتن خانه، سفرخارج، تحصیلات، ماشین وکار در وزارتخانه شناسایی شده است. از طرفی با دال‌های شناور دروغ‌گویی، پنهان‌کاری، متجاوز مواجه می‌شویمک هبا عبارات ذیل بازنمایی میشود: سپیده: سهیل کی بود؟ ازوزارتخونه بود جلسه فردارو یادآوری کردند(۱۰:۲۷). سپیده به سعید میگه: من دوستش نداشتم، باهاش نمی‌ساختم و مجبور شدیم از هم

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-21]

[DOI: 10.52547/joec.24.1.97]

جداشیم ولی تو هروقت بخوای میتونی ببینیش (۱:۱۰:۰۱). سپیده به سهیل: راسته که رحم و بچه رو باهم در میارن؟ تو همه چیو به من نگفتی(۱۸:۲۵). هدف از این کار، به حاشیه‌راندن گفتمان‌های راست‌گویی، اعتماد و دوستی در گفتمان فیلم است، بنابراین دال‌های شناور دروغ‌گویی و پنهان‌کاری در گفتمان فیلم حول دال مرکزی عدم پذیرش فرزند برجسته شده است. افزون بر این، دال شناور خشونت، در گفتمان شخصیت فرعی مرد پدر سعید نمایان می‌شود. این دال در پی به حاشیه کشاندن دال تواضع و فروتنی در گفتمان سهیل است.

از طرفی، با تحلیل متن مکالمه‌های فیلم میم مثل مادر، مشخص شد که قدرت پنهان در گفتمان‌های بازیگران فیلم میم مثل مادر، به واسطه‌ی دو فرایند برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در داستان فیلم جریان می‌یابد. این قدرت با ایجاد سلطه بر ذهنیت سوژه‌های گرداننده‌ی این فیلم به رفتار و ویژگی شخصیت آنان شکل می‌دهد. همچنین، پژوهش انجام گرفته پیرامون این فیلم نشان می‌دهد که نظام معنایی گفتمان فیلم میم مثل مادر، از بینش و عقاید گفتمان عقلانی-عاطفی نشات گرفته است، مادر به عنوان شخصیتی عاطفی و پدر به عنوان شخصیتی عقلانی و خودمحور بازنمایی شده است.

در این راستا، شخصیت سهیل کاویان‌پور (پدرفرد معلول) در فیلم میم مثل مادر به‌عنوان ابزاری برای بازتاب این دیدگاه هست؛ به‌نوعی که شخصیت‌های مورد تحلیل، درجهت برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی این نگرش‌ها در تلاش‌اند. به عنوان مثال دروغی که پدر به مادر می‌گوید در خصوص اینکه از وزارتخانه تماس گرفتند در صورتی که برای موسیقی با سپیده تماس گرفته بودند راست‌گویی را در حاشیه برده است یا تلاشی که پدر می‌کند برای سقط جنین دارد، عدم قبول و پذیرش فرزند را برجسته می‌کند.

این پژوهش در رابطه با رویکرد های نظری پیشین موید آن است که معلولیت به عنوان یک برساخت اجتماعی است و برخی نواقص و محدودیت‌ها تنها به دلیل تعامل با محیط اجتماعی است. ازاین‌رو، این الگو معلولیت را به‌عنوان یک وضعیت نامطلوب ناشی از تلاقی نقص عضو فردی و محیط اجتماعی که شامل معماری، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های زیبایی‌شناختی و مفروضات دربارهٔ سلامتی و توانایی است، می‌داند. در مدل پزشکی، معلولیت یک عارضه شخصی است که از بیماری و یا نقص ژنتیکی ناشی می‌شود و نیازمند درمان حرفه‌ای است. در واقع این فرد متخصص و حرفه‌ای است که تعیین می‌کند چه کسی معلول و یا غیر از آن است(دانکن، ۲۰۱۳). در نظریه داغ ننگ، پیوندی نزدیک بین داغ ننگ، وطرد و تنفر اجتماعی و برهم خوردگی تعادل روانی افراد داغ‌خورده یا در معرض داغ وجود دارد که برچسبی در خصوص معلولیت به افراد می‌زنند. همچنین اگر عقاید، باورهای جاری در جامعه نسبت به کنشگر به گونه ای باشند که برخورد شکننده با وی نداشته باشند در توانمندی و افزایش اعتماد به نفس او در زمینه‌های مختلف تاثیر زیادی دارد، زیرا کنشگر در دیدگاه پارسونز، مطلقاً آزاد نیست بلکه آزادی او به واسطه شرایط محیطی و فرهنگی محدود تعریف می‌شود(همان)

با توجه به پیشینه‌ها می‌توان گفت که افراد دارای معلولیت در جامعه ما با مشکلات متعددی از جمله: تحصیل، اشتغال و ازدواج مواجه هستند. همچنین محیط زندگی خانوادگی و ابعاد مختلف فقر در خانوار مانند: وضعیت رفاهی، تحصیلات پایین سرپرست خانوار و محل زندگی روستایی با وجود فرد دچار

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-21]
[DOI: 10.52547/joec.24.1.97]

معلولیت در خانوار در ارتباط است. پس با سیاستگذاری‌های رفاهی برای خانوارهای کم درآمد و آسیب‌پذیر جامعه و ارائه بسته‌های خدمات‌رسانی، به‌ویژه نیازهای افراد دارای معلولیت، می‌توان هم به آنان و هم به جامعه کمک کرد. یافته‌های این مقاله با کارهای میترا، مازیریری(۲۰۱۶)، صادقی فسایی و فاطمی‌نیا(۱۳۹۳)، سجادی و زنجبیل(۱۳۹۴) منطبق هست که چالش‌های معلولین شامل عدم آموزش ، عدم دسترسی به امورمالی، حمایت ناکافی دولت و عدم تجهیزات، وضعیت رفاهی، تحصیلات پایین سرپرست خانوار و محل زندگی روستایی است.

پی نوشت ها

1. Persons with disability
2. International Classification of Functioning, Disability and Health

منابع

Pajohan, Ali, Afshari, Parvaneh (1397). Attitude of disabled women towards having children in Tehran, social work research journal, third year, number

Turkashund, Farshid (1394). Analysis of the function of context and emotional discourse in the understanding of literary texts (a case study of the works of Gibran Khalil Gibran), Lasan Mobin Quarterly (Arabic Literature Research), No. 21, pp. 23-43

Khosravi, Nasreen, Raheb, Ghancheh, Arshi, Maleeha, Iglima, Mustafa (1394). Investigating the relationship between social support and the quality of life of physically-motor disabled people in Raad educational centers, research paper, volume 16, number 2, pp. 176-185

Zabih Ghasemi, Maryam, Tehranizadeh, Maryam, Mardokhi, Mohammad Saeed (1397). The effectiveness of story therapy on social adaptation and loneliness of children with physical and motor disabilities, Exceptional Children Quarterly, year 19, number 2, 5-16

Rawdrad, Azam, Aghaei, Atefeh (1395). Discourse analysis of the representation of AIDS in Iranian cinema, a case study of the film Barefoot in Heaven, Quarterly Journal of the Iranian Association for Cultural Studies and Communication, No. 45

Zareen Shoshian, Gholamreza (1399). Investigating the relationship between the society's negative attitude and the exclusion of disabled people from society, Fazlnameh Social Security, 15th year, 3rd issue, pp. 191-211

Statistical Yearbook 1400

Sajjadi, Hamira and Zanjari, Nasiba. (1394), Disability (disability) in Iran: its prevalence, characteristics and economic and social correlates, Rehabilitation Quarterly, 16th volume, number 1.36-47

Soltani, Ali Asghar (1384). Power, Language and Discourse, Tehran: Ney Publishing

Sadeghi Fasaei, Soheila and Fatemi Nia, Mohammad Ali (1393). disability; The hidden half of society: a social approach to the situation of the disabled in the world and in Iran, social welfare research quarterly, year 15, number 5:159-194

Tayibi Masuleh, Sayedah Maryam, Pushneh, Cambyz, Khosravi Babadi, Ali Akbar, Rezazadeh, Hamidreza, Ramezani, Ahmed (1401). Validation of the citizenship education curriculum model for students with special needs (mental retardation), Exceptional Children Quarterly, 2013, No. 1, 7-18

Ameli Moghadam, Sima, Zarezi, Mostafa, Dehban, Maryam, Khazan, Kazem (1394). The effectiveness of life skills training on the quality of communication of physically-motor disabled people hospitalized in welfare centers, Nasim Tossani Quarterly, Faculty of Medical Sciences, Islamic Azad University, Sari Branch, Volume 4, Number 2, pp. 9-17

Ebadi, Azadeh, Garjian, Bahman, Veisi, Khashos, Soltani, Seyyed Ali Asghar (1400). Analyzing the discourse of national identity in social studies books of the first secondary school from the perspective of Lacla and Mouffe, Applied Sociology, 33rd year, 3rd issue, pp. 152-125

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-21]

[DOI: 10.52547/joec.24.1.97]

Kasraei, Mohammad Salar, Poozesh Shirazi, Ali (1388). Lacla and Mofe's discourse theory is an efficient tool in understanding and explaining political phenomena, Politics Quarterly, Journal of Faculty of Law and Political Sciences, Volume 39, Number 3, pp. 339-360

Latifian, Maryam, Bani Asad, Asma, Kamali, Mohammad. (1400). Investigating the social dimensions of disability, a systematic review, Social Work Research Journal, 7th year, No. 26, pp. 101-53

Mahdoifar, Habibullah, Matranloui, Hossein (1396). Rationality in managers' decision-making, the first international conference and the third national conference on management and humanities researches, University of Tehran

McDonnell, Diane (1380). An introduction to discourse theories, translated by Hossein Ali Nozari, Tehran: Discourse Culture Publications

Mehdizadeh, Seyyed Mohammad, Taqiabadi, Masoud (1398). Critical analysis of the discourse of Nood television program on football violence, Communication Research Quarterly, No. 4, pp. 139-171

Howarth, David (1379). Theory of discourse, translated by Amir Mohammad Haji Yousefi, in the collection of essays on discourse and discourse analysis, under the care of Mohammad Reza Tajik, Tehran, Culture of Discourse

Duncan Neil. (2013). Using disability models to rethink bullying in schools. Education, Citizenship and Social Justice, 8(3), 254-262:10.1177/1746197913486250

Samaha Adam M. (2007), "What is the Social Model of Disability?", Journal of Law Review, Vol. 74, available at: .http://Lawreview.uchicago.edu/ issues/ archeive/v74/74_4/samaha.pdf>

WHO. (2015). Global disability action plan 2014–2021: better health for all people with disability.World Health Organization، 9789241509619

H.A. Almalky, Employment Outcomes for Individuals with Intellectual and Developmental Disabilities: A Literature Review, Children and Youth Services Review (2019), doi: https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2019.104656

Jorgensen, M. & Phillips, L. (2002). Discourse analysis as theory and method. London: Sage publications، 0761971114

Laclau, Ernesto; Mouffe, Chantal ,(1985). Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics. Second Edition, London: Verso. 978-1859843307

Mitra Sophie, Aleksandra Posarac, and Brandon Vick. (2013). Disability and poverty in developing countries: a multidimensional study. World Development, 41, 1-18 ، 10.1016/j.worlddev.2012.05.024

Maziriri, E. T., & Madinga, N. W. (2016). A qualitative study on the challenges faced by entrepreneurs living with physical disabilities within the Sebokeng Township of South Africa. International Journal of Research, 1 ، 2394-5923

Viriri, P., & Makurumidze, S. (2014). Engagement of disabled people in entrepreneurship programmes in Zimbabwe. Journal of Small Business and Entrepreneurship Development, 2(1), 1-30، ٦٣٨٢-٢٣٣٣

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-21]

[DOI: 10.52547/joec.24.1.97]